



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم برای جهاد در فقه اسلامی شرائط فراوانی وجود دارد که با تحقق آنها واجب می شود، اولین از شرائط وجوب جهاد وجود امام عادل می باشد لذا علامه در قواعد جلد اول صفحه ۴۷۴ در کتاب الجهاد فرموده: "إنما يجب بشرط الامام أو نائبه" و همچنین شیخ طوسی در مبسوط جلد اول صفحه ۱۳۵ فرموده: "وعلى الإمام أن يغزو بنفسه أو بسراياه" و بالاخره صاحب جواهر در جلد ۲۱ جواهر ۴۳ جلدی فرموده: "فلا خلاف بيننا بل الإجماع بقسميه (محصل و منقول) عليه إنما يجب بشرط وجود الإمام عليه السلام أو من نصبه للجهاد ولو بتعيين ولايته بل اصل مشروعيته مشروط بذلك فضلاً عن وجوبه"، این نقل فقهاء ما در مورد شرط اول بود که به عرضتان رسید.

خوب و اما دلیل شرط اول (وجود امام) روایاتی هستند که در باب ۱۲ از ابواب جهاد العدو ذکر شده اند، خبر اول و دوم باب ۱۲ را دیروز خواندیم، خبر بعدی این خبر است: «و عن عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن محمد بن عبد الله، وعن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن العباس بن معروف، عن صفوان بن يحيى، عن عبد الله بن المغيرة قال: قال محمد بن عبد الله للرضا عليه السلام وأنا أسمع: حدثني أبي عن أهل بيته، عن آبائه أنه قال له بعضهم: ان في بلادنا موضع رباط يقال له: قزوين، وعدوا يقال له: الديلم فهل من جهاد أو هل من رباط؟ فقال: عليكم بهذا البيت فحجوه، فأعاد عليه الحديث فقال: عليكم بهذا البيت فحجوه، أما يرضى أحدكم أن يكون في بيته ينفق على عياله من طوله ينتظر أمرنا، فان أدركه كان كمن شهد مع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بدرًا، فان مات ينتظر أمرنا كان كمن كان مع قائمنا صلوات الله عليه هكذا في فسطاطه، وجمع بين السبابتين، ولا أقول: هكذا، وجمع بين السبابة والوسطى، فان هذه أطول من هذه، فقال: أبو الحسن عليه السلام صدق^۱.

حضرت در این خبر می فرمایند باید منتظر امر ما بمانید و بدون امر ما حرکتی نکنید و جهادی انجام ندهید. اخبار ۱ و ۲ و ۵ و ۸ و ۱۰ از باب ۱۲ از ابواب جهاد العدو بر عدم جواز جهاد بدون امام دلالت دارند. مطلب دیگر اینکه چرا ائمه عليهم السلام جهاد را جائز نمی دانستند و در واقع علت عدم جواز چه بوده؟ اخبار ۳ و ۵ و ۶ از باب ۱۲ از ابواب جهاد العدو بر علت عدم جواز دلالت دارند، خبر ۳ این خبر است: «و عن أبيه، عن عثمان بن عيسى، عن سماعة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لقي عماد البصري علي بن الحسين عليه السلام في طريق مكة، فقال له: يا علي بن الحسين تركت الجهاد وصعوبته، وأقبلت على الحج ولينه، إن الله عز وجل يقول: " ان الله اشترى من المؤمنين أنفسهم وأموالهم بأن لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله " الآية فقال علي بن الحسين عليه السلام: أتم الآية فقال " التائبون العابدون " الآية، فقال علي بن الحسين عليه السلام: إذا رأينا هؤلاء الذين هذه صفتهم فالجهاد معهم أفضل من الحج^۲.

خبر سنداً موثق می باشد.

عباد بصری از صوفیه بوده، در جلد ۴ فروع کافی و همچنین در سفینه البحار ذکر شده که صوفیه اعتراضاتی به امام سجاد و امام رضا علیهما السلام داشته اند، بنی امیه و بنی عباس برای اینکه فرهنگ اهل بیت عليهم السلام را از بین ببرند و مردم را از اسلام ناب منحرف کنند صوفیه را در مقابل ائمه عليهم السلام بوجود آوردند و تقویت و حمایت کردند و در طول تاریخ نیز همیشه مورد حمایت پادشاهان بوده اند، ظاهر صوفیه اسلامی بود و از زهد و تقوی دم می زدند لکن در واقع اسلام را خراب کردند و ما روایات فراوانی داریم که ائمه عليهم السلام با شدت از آنها انتقاد و آنها را مذمت کرده اند و اعداء خودشان دانسته اند، آنها نیز در طول تاریخ همیشه خودشان را به اهل بیت و اسلام نسبت داده اند و حتی در برخی موارد کلمات ائمه عليهم السلام را سرقت و بنام خودشان منتشر کرده اند مخصوصاً عطار در کتاب تذکرة الاولیاء کلمات خوبی از صوفیه نقل

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۳، ابواب جهاد العدو، باب ۱۲، حدیث ۵، ط الإسلامية.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۳، ابواب جهاد العدو، باب ۱۲، حدیث ۳، ط الإسلامية.

جهاد خواهیم رفت و چنین جهادی قطعا بر حج افضل خواهد بود اما اینطور نیست زیرا زمان بنی امیه می باشد. بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهرین

کرده که تمام آنها سرقت کلمات اهل بیت علیهم السلام می باشد مثلاً در حالات ابراهیم ادهم ذکر شده که از او پرسیدند ما دعا می کنیم اما مستجاب نمی شود علتش چیست؟ ابراهیم ادهم هشت چیز را ذکر می کند که مانع استجاب دعا می باشد اما وقتی به سفینه البحار ماده دعا مراجعه می کنیم می بینیم که این هشت مورد عین فرمایش حضرت امیر علیه السلام بوده که به ابراهیم ادهم نسبت داده اند! و همچنین مقدس اردبیلی در کتاب حدیقه الشیعة فصلی در مورد صوفیه دارد و مطالبی در مورد آنها ذکر کرده و بعد فرموده تمام فرق آنها باطل و کافر هستند و امام رضوان الله علیه نیز در صحیفه نور مطالبی را بر علیه صوفیه دارد، خلاصه اینکه عباد بصری که از صوفیه بوده با امام سجاد علیه السلام برخورد می کند، مرحوم مامقانی در جلد ۲ تنقیح المقال صفحه ۱۲۱ می فرماید عباد بصری از صوفیه است و همین بود که به امام صادق علیه السلام اعتراض کرد که چرا تو لباس فاخر پوشیده ای درحالی که پیغمبر اینطور نبود و حضرت در جوابش فرمود زمانه فرق دارد و مسلمانان قدری وسعت پیدا کرده اند و در فقر به سر نمی برند و بعد حضرت به او گفت نزدیک بیا وقتی آمد دست به زیر لباس او برد و گفت تو در زیر این لباس خشن یک لباس نرم پوشیده ای تا در نظر مردم زاهد جلوه کنی و بعد حضرت دستش را گرفت و لباس زیرین خودش را نشان داد و دید که لباس زیرین حضرت کهنه و خشن است و بعد حضرت به او فرمود من بخاطر عظمت مقام امامت چنین لباسی را پوشیده ام و إلا لباس من همین لباس زیرینم می باشد، خلاصه عباد بصری به امام سجاد علیه السلام رسید و آن طور که در روایت آمده با حالت اعتراض به حضرت گفت چرا تو جهاد را که همراه با سختی است ترک کرده ای و به حج که همراه با راحتی است رو آورده ای؟ و بعد آن آیه را برای حضرت خواند اما حضرت به او فرمودند آیه بعدی را نیز بخوان و تکمیل کن و سپس حضرت آیه بعد را نیز خواندند و فرمودند اگر این اوصافی که در ادامه آیه ذکر شده را ببینیم و بباییم حتماً به سراغ